

نقش برجام در تشدید واگرایی بین ایران و عربستان

سیدحمزه صالحی^۱، احسان فرامرزش^۲

چکیده

آنچه به عنوان توافق هسته‌ای بین ایران و کشورهای غربی بعد از سال‌ها مذاکره و تلاش دیپلماتیک، منعقد شد تأثیری مستقیم بر روابط ایران و عربستان گذاشته است. هرچند این دو کشور در برهه قبل از انقلاب و متأثر از سیاست دوستونی آمریکا، یک رابطه مساعد و همگرا داشتند اما بعد از انقلاب اسلامی با اقدامات عربستان نظیر حمایت عربستان از عراق در جنگ تحمیلی و کشتار حجاج ایرانی در سال ۱۳۶۶ روابط دو طرف به سمت واگرایی پیش رفت؛ بنابراین آنچه به عنوان واگرایی بعد از انقلاب شکل گرفته بود با به سرانجام رسیدن مذاکرات هسته‌ای وارد مرحله نوینی شد. در این پژوهش و در چارچوب نظریه رئالیسم تهاجمی که هدف مطلوب کشورها در نظام آنارشیک را رسیدن به هژمون می‌داند که به تبع این امر دولت‌ها به دنبال افزایش قدرت نسبی خود و کاهش قدرت رقبایشان خواهند بود، به این پرسش می‌پردازیم که برجام چگونه باعث واگرایی بین ایران و عربستان شده است؟ پاسخ به این پرسش به عنوان فرضیه عبارت است از: از آنجایی که برجام باعث افزایش نفوذ و تقویت جایگاه منطقه‌ای ایران شده، لذا باعث تشدید رقابت و تنش و در نتیجه واگرایی بین ایران و عربستان به عنوان داعیه‌دار برتری در منطقه و جهان اسلام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که واگرایی بین ایران و عربستان به تقویت اقتصاد و مواضع سیاسی ایران به عنوان بازیگر محوری در معادلات منطقه به شکل بی‌سابقه‌ای تشدید شده است.

واژگان کلیدی: برجام، ایران، عربستان، واگرایی، رئالیسم تهاجمی.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی تهران

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول)

مقدمه

محافظه‌کار، تلاش برای نفوذ در خلیج‌فارس، حمایت عربستان از عراق در جنگ تحمیلی، کشتار حجاج ایرانی در سال ۱۳۶۶ و ... از جمله چنین عواملی بوده‌اند. به رغم بهبود روابط بین دو کشور در بعضی مقاطع خاص اما نوعی تنش که ناشی از بی‌اعتمادی به نیت طرف مقابل بوده است همواره بر مناسبات بین دو کشور سایه انداخته است. بنابراین آنچه به عنوان واگرایی در گذشته شکل گرفته بود با به سرانجام رسیدن مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب تحت عنوان برجام وارد مرحله‌ی نوینی شد. ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران، پذیرفتن نقش استراتژیک ایران در منطقه از سوی آمریکا و قدرت‌های بزرگ، بازتر شدن دست ایران در معادلات سیاسی و حمایت بهتر از سوریه، عراق، یمن و ... همه و همه باعث شدند عربستان به عنوان داعیه‌دار رهبری جهان عرب و اسلام متضرر شده و جایگاه خود را در خطر ببیند زیرا قبل از آن و در شرایط تحریم و انزوای بین‌المللی ایران، این کشور درصدد تحمیل و تشبیت هژمونی خود بر منطقه بود. لذا به نتیجه رسیدن این مذاکرات با اهداف و استراتژی سعودی‌ها برای تسلط بر منطقه ناسازگار بود به همین دلیل وقتی تلاش‌های آنها برای به شکست کشاندن مذاکرات به نتیجه نرسید درصدد برآمدند تا بهره‌گیری ایران را از شرایط پساتحریم به حداقل برسانند. چنین واکنشی از طرف عربستان تنش و واگرایی بیشتر با ایران را رقم می‌زند در حالی که ایران نیز به دنبال استفاده بهینه از امتیازات حاصله از برجام خواهد بود. بنابراین در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش مهم خواهیم بود که: برجام چگونه باعث تشدید واگرایی بین ایران و عربستان شده است؟ پاسخ به این پرسش به

آنچه به عنوان توافق هسته‌ای بین ایران و کشورهای گروه ۵+۱ در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ بعد از سال‌ها مذاکره و تلاش دیپلماتیک سلسله‌وار، منعقد شد تأثیر مستقیمی بر روابط ایران و عربستان برجای گذاشت. از آنجائیکه این دو کشور چه در منطقه غرب آسیا و خلیج‌فارس و چه در جهان اسلام در زمره مهم‌ترین و قدرتمندترین کشورها قرار داشته و دارند همواره رابطه‌بین آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا رابطه بین این دو خواه ناخواه دیگر کشورهای منطقه و جهان اسلام را نیز متأثر می‌سازد. در مورد روابط ایران و عربستان مقالات متعددی از زوایای مختلف به رشته تحریر درآمده است اما آنچه تاکنون به صورت مدون ارائه نشده است، تأثیر برجام بر این رابطه می‌باشد. از اینرو ضروری می‌نماید تا این مهم را مورد بررسی قرار دهیم. هرچند ایران و عربستان در برهه قبل از انقلاب و متأثر از سیاست دوستونی آمریکا به رغم اختلافات جزئی رابطه‌ای مساعد، دوستانه و همگرا داشتند اما بعد از انقلاب با ظهور متغیر مهمی مانند مذهب که زمینه‌ساز یک رقابت ایدئولوژیک شد. روابط دو کشور به شدت تغییر کرد، علاوه بر این شعارهای انقلابیون ایران که در پی صدور انقلاب بودند سران حکومت عربستان را بسیار بیمناک از سرایت انقلاب ایران به این کشور و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس کرده بود. بنابراین بدبینی حاکمان سعودی نسبت به حکومت انقلابی ایران زمینه‌ساز عوامل متعددی شد که تأثیر مخربی بر روابط دو کشور گذاشتند و باعث برهم خوردن این رابطه و سوق پیدا کردن آن به سمت واگرایی بیشتر شدند. ایران شیعه انقلابی در مقابل عربستان سنی

اطمینان به نیات دیگر کشورها، فرض دیگر میرشایمر در مورد بازیگران نظام بین‌الملل است. در واقع هیچ دولتی نمی‌تواند مطمئن باشد که دولت دیگر از امکانات و توانایی‌های نظامی و تهاجمی‌اش علیه آن استفاده نکند. هیچ تضمین صد درصدی وجود ندارد که کشوری که دارای قدرت و امکانات نظامی است در آینده از حمله به قلمرو دیگران خودداری کند. ۴- در مفروض چهارم، میرشایمر و رئالیست‌های تهاجمی معتقدند که تلاش برای بقاء و ماندگاری یکی از اهداف اصلی دولت‌هاست. بر این اساس حفظ تمامیت ارضی و انحصار در سیاست‌های داخلی اولویت همه بازیگران خواهد بود. ۵- بر مبنای آخرین و پنجمین فرض رئالیست‌های تهاجمی قدرت‌های بزرگ بازیگرانی عقلانی هستند و با آگاهی نسبت به محیط بیرونی‌شان با فکر استراتژیکی به دنبال بقاء در آن هستند (Mearsheimer, 2001: 55). با توجه به مفروضات فوق دولتها به دنبال افزایش قدرت نسبی خود در جهان بین‌الملل و مناطق خاص خودشان هستند (Rudloff, 2013: 51). به عبارت دیگر واقع‌گرایان تهاجمی خوشبینی‌های غالب در روابط بین قدرت‌ها را به دیده تردید می‌نگرند و ضمن تأکید بر رفتار قدرت‌های بزرگ این نکته را مدنظر دارند که قدرت‌های بزرگ در سیاست بین‌الملل به دنبال فرصت‌هایی هستند تا قدرت و نفوذ خود را نسبت به سایر دولت‌ها و قدرت‌ها افزایش دهند (جعفری‌نژاد و مدآبادی، ۱۳۹۳: ۲۱۰). این امر در مورد قدرت‌های منطقه‌ای نیز صدق می‌کند. در حقیقت واقع‌گرایان تهاجمی بر این باورند که آنارشیک بودن نظام بین‌الملل باعث می‌شود که دولت‌ها به

عنوان فرضیه عبارت است از: از آنجایی که برجام باعث افزایش نفوذ و تقویت جایگاه منطقه‌ای ایران شده، لذا باعث تشدید رقابت و تنش و در نتیجه واگرایی بین این کشور و عربستان به عنوان داعیه‌دار برتری در منطقه و جهان اسلام شده است. گفتنی است که در این پژوهش از شیوه کتابخانه‌ای- اسنادی و تبیینی- تحلیلی برای گردآوری و تحلیل مطالب استفاده شده است.

چارچوب نظری

با توجه به تنش‌های موجود بین ایران و عربستان از چارچوب نظری رئالیسم تهاجمی برای این پژوهش استفاده می‌شود. رئالیسم تهاجمی که در دهه‌های اخیر مطرح شده، جان میرشایمر را به عنوان یکی از سردمداران خود به عرصه روابط بین‌الملل معرفی نموده است. میرشایمر معتقد است کشورها و قدرت‌های مهم و بزرگ همیشه به دنبال فرصتی برای افزایش قدرت خود در مقابل رقبایشان هستند تا در نهایت به هژمون و سلطه کامل دست پیدا کنند. وی در این راستا برای نظریه خود پنج مفروضه مهم در مورد نظام بین‌الملل متصور است: ۱- مفروضه اول این است که سیستم بین‌الملل آنارشیک است. البته آنارشیک بودن به معنای بی‌نظمی و هرج و مرج نیست و این معنا را دارد که کشورها به صورت مستقل در صحنه بین‌الملل حضور دارند و هیچ اقتدار مرکزی بر آنها حاکمیت ندارد. ۲- مفروضه دوم به این امر اذعان دارد که کشورهای مختلف که دارای توانایی و ظرفیت‌های نظامی هستند به دنبال شکست و صدمه زدن به یکدیگر می‌باشند. به عبارت دیگر کشورها به صورت بالقوه برای دیگری خطر به حساب می‌آیند. ۳- عدم

واگرایی بین ایران و عربستان قبل از برجام

پیش از به سرانجام رسیدن برجام و افزایش واگرایی بین ایران و عربستان این مسئله از قبل نیز وجود داشته است. هرچند در برهه قبل از وقوع انقلاب اسلامی این دو به سبب تعلق به بلوک غرب و ملهم از سیاست دوستونی کسینجر که براساس استراتژی حضور غیرمستقیم واگذاری مسئولیت امنیت منطقه‌ای به قدرت‌های محلی بنا شده بود، رابطه نسبتاً حسنه‌ای باهم داشتند اما این روند سرانجام موفقیتی نداشت. بخاطر وجود علائق متضاد بین دو کشور در پایان سال ۱۹۷۴ رقابت‌های فزاینده مانع همکاری بین آنها می‌شد. بیم و هراس عربستان از اهداف ایران در منطقه یکی از دلایل اصلی این امر به حساب می‌آمد. سوءظن عربستان به ایران در دو زمینه مهم مطرح بود: اول در واکنش به تقویت فزاینده قدرت نظامی ایران و دوم در واکنش به حضور ایران در عمان و تحکیم کنترل خود بر تنگه هرمز. اما علاوه بر این دو عامل که در دوران پهلوی دوم بر روابط دو کشور سایه افکنده بود با زوال حکومت پهلوی عوامل متعدد دیگری باعث واگرایی بین آنها شد. وقوع انقلاب اسلامی حامل تغییرات استراتژیکی جدیدی برای منطقه خلیج فارس بود که با شرایط قبل از آن تفاوت عمده‌ای داشت. ایدئولوژی انقلابی رهبران ایران، پایه‌گذار سیاست خارجی تقابلی این کشور شد تا جایی که کشورهای خلیج فارس از استراتژی صدور انقلاب به سبک ایران به کشورهای خود اظهار نگرانی می‌کردند. اظهارات متعدد مقامات جمهوری اسلامی ایران در طول دهه ۱۹۸۰ درباره کشورهای منطقه مبنی بر کنار نهادن شئون اسلامی و آلت دست شدن ابرقدرت‌ها، موجب عدم اعتماد رهبران

دنبال به حداکثر رساندن قدرت نسبی یا نفوذ خود باشند و از آنجائیکه امنیت و بقاء در درون نظام بین‌الملل هرگز قطعی نیست، دولت‌ها از طریق افزایش قدرت و نفوذ خود در پی افزایش سطح امنیت‌شان خواهند بود. با توجه به مباحث مطرح شده تشدید واگرایی بین ایران و عربستان بعد از برجام نیز می‌تواند بر اساس این چارچوب تحلیل و بررسی شود. ایران بعد از برجام به فرصت‌ها و مزایایی دست یافته است که خواه ناخواه افزایش نفوذ و قدرت آن را در منطقه به دنبال خواهند داشت. برداشته شدن موانع اقتصادی ایران و موافقت با حضور رسمی آن در بحران‌های منطقه باعث افزایش جایگاه و قدرت آن در خاورمیانه خواهد شد. این مسئله تهدیدی برای دیگر کشورهای منطقه بخصوص عربستان به حساب می‌آید، زیرا سعودی‌ها خود داعیه‌دار قدرت در خاورمیانه هستند و براساس آنچه به عنوان مفروضه سوم رئالیسم تهاجمی تشریح شد از نیت رقیب سنتی خود که حال اندکی قدرتمندتر شده است آگاه نبوده و افزایش توان نظامی آن را در آینده تهدیدی جدی برای دامنه نفوذ و قدرت خود به حساب می‌آورند و از حمله احتمالی ایران به مرزها و قلمرو خود یا هم‌پیمانانشان واهمه دارند و در نتیجه اقدامات تقابلی جویانه‌ای را صورت می‌دهند تا بتوانند خود را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای حفظ نموده و معرفی نمایند. بنابراین عوامل یاد شده باعث تشدید واگرایی بین دو قدرت منطقه‌ای شده است که در ادامه به آن می‌پردازیم و البته ابتدا ضروریست تا سابقه واگرایی بین این دو کشور قبل از برجام را تشریح نماییم و سپس تشدید این مهم را نمایان سازیم.



بنابراین رابطه ایران و عربستان قبل از انعقاد برجام در زمینه‌های متعددی دچار واگرایی بوده است که البته این امر از تفاوت‌های عمده جهت‌گیری سیاست‌ خارجی آن نیز نشأت می‌گرفته است. لذا در ادامه بصورت مختصر این جهت‌گیری‌ها تشریح خواهد شد.

تفاوت عمده جهت‌گیری سیاست خارجی ایران و عربستان

پیروزی انقلاب اسلامی به دگرگونی در پیوندهای منطقه‌ای و بین‌المللی ایران انجامید و پیامدهای خاص خود را به ویژه برای منطقه خلیج فارس در قالب فروپاشی توازن قوای منطقه‌ای به همراه داشت. انقلاب اسلامی، هویت جدیدی برای ایران به همراه داشت. بر این اساس ایران از پیوند با غرب خارج شد و بنا به ماهیت انقلابی و ایدئولوژیک خود، به منزله چالشی برای نظام‌های پادشاهی و محافظه‌کار منطقه از طرف این رژیم‌ها ارزیابی شد. بر این اساس در دوره پس از انقلاب، ایران و عربستان سعودی بنا به هویت خود، برداشت‌شان نسبت به یکدیگر تغییر یافت و ایدئولوژی که دو بازیگر خود را بر آن بنا کرده و در تعقیب آن بودند در مخالفت و تعارض با دیگری قرار گرفت. ایران در این دوره بنا به ماهیت خود، نظم موجود در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را نفی و رویکرد عدم تعهد انقلابی را اتخاذ نمود. از این زمان در سطح منطقه خلیج فارس، اهداف ایران تبلیغ اسلام (مبتنی بر تشیع)، گسترش نفوذ و تثبیت خود به عنوان قدرت مسلط در منطقه، کاهش نفوذ و حضور نظامی آمریکا، بی‌اعتبار کردن حضور آمریکا در منطقه و گسترش نفوذ بر گروه‌های مخالف این

سعودی به نیت ایران شد و بعدها رویه رادیکال ایران را به عنوان یک عامل عدم اطمینان و برهم زننده نظم موجود در منطقه و فراهم آوردن زمینه حرکتی مشابه علیه خود تلقی نمودند. بعد از انقلاب پس از یک سلسله اختلافات روابط سیاسی- امنیتی دو کشور در مقایسه با قبل از انقلاب به وضعیت نامساعدی رسید و پس از حمله عراق به خاک ایران به مرز دشمنی سیاسی- امنیتی و تبلیغاتی رسید که با حمایت عربستان از عراق با تمام توان و امکانات همراه شد (حافظ نیا و رومینا، ۱۳۸۴: ۷۳-۶۹).

ایران و عربستان به عنوان دو قدرت منطقه‌ای پس از انقلاب روابط پرفراز و نشیبی داشته‌اند؛ یعنی گرچه در برخی مقاطع از دولت‌های سازندگی و اصلاحات، به سبب سیاست خارجی عمل‌گرا و تنش‌زدایی، از میزان پیچیدگی و رقابت دو دولت کاسته شد؛ اما در دوره احمدی نژاد دوباره همانند دوران جنگ تحمیلی به دلایلی چون برنامه هسته‌ای، مسائل عراق، سوریه و بحرین تنش بر روابط آنها حکمفرما شد. البته، بخشی از این مسئله ناشی از سیاست خارجی ایدئولوژیک دولت احمدی نژاد بود که طبیعتاً حساسیت دولت‌های سنی مذهب عرب را برمی‌انگیخت؛ زیرا این شکل سیاست خارجی فراتر از قلمرو سرزمینی می‌اندیشید و خود را به اصول اخلاقی مثل ارزش‌های انسانی و یا صلح (البته، با قرائت ویژه خود) پایبند می‌دانست. همچنانکه در سیاست خارجی ایدئولوژیک محور، عموماً اعتقاد زیادی به سازمان‌های بین‌المللی وجود ندارد و آن را ابزاری در دست قدرتها برای استثمار ملتها و دولت‌های دیگر می‌شمرد و در نتیجه، به دنبال تغییر وضع موجود است (صادقی اول و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۷).

سیاست گرایش به آمریکا و مسامحه در برابر اقدامات اسرائیل دارد و از سوی دیگر، از این سیاست‌ها در جهت منزوی و منفعل کردن هر چه بیشتر ایران بهره می‌گیرد. پس از تحریم‌های نفتی ایران، عربستان همواره از اقدامات تحریمی حمایت قاطع کرده و حتی آمریکا را به اتخاذ سیاست‌های جنگ‌طلبانه علیه ایران تشویق کرده است. در این میان، عربستان هم به دنبال فروش بیشتر نفت خود و جایگزین شدن به جای ایران در فروش نفت است و هم می‌خواهد با بدست آوردن حمایت‌های آمریکا، بنیادگرایی خود را در داخل و خارج پی بگیرد. روی هم رفته، عربستان نیز اصول و اهداف خاصی را در ترسیم سیاست خارجی خود مدنظر دارد که عبارتند از:

- ۱- رهبری سیاسی جهان اسلام به ویژه کشورهای عربی؛
- ۲- وحدت جهان عرب و جلب حمایت‌های آنان در جهت منافع خود؛
- ۳- تبلیغ مذهب وهابی و دعوت به آن؛
- ۴- جلوگیری از انتشار و گسترش انقلاب اسلامی و حفظ وضع موجود در منطقه؛
- ۵- متعادل کردن پدیده‌های تندروی منطقه و جهان اسلام. با توجه به اهداف تعریف شده دو کشور ایران و عربستان، مشخص می‌شود که روابط دو کشور بر تقابل و رقابت استوار شده است. افزون بر این، تفاوت در نوع نگاه دو کشور به غرب نیز ماهیتی ایدئولوژیکی دارد. انقلاب ایران فرآیندی ستیزه جویانه با غرب داشت که فارغ از علل و ریشه‌های آن، جریان‌های حاکم بر نظام بین‌الملل را در قطب غرب نفی می‌کرد و بنابراین نمی‌توانست در همان اوان، همچون عربستان غرب را

کشور و رقابت با عربستان از طریق بهره‌گیری از شکاف‌های درون منطقه خلیج فارس دانست. ضمن آنکه ایران از منظر امنیتی از یک نظم امنیتی بدون مشارکت غرب و با حضور کشورهای منطقه تأکید داشته و دارد.

این رویکرد جدید ایران در حالی بود که عربستان سعودی سیاست خارجی‌اش را در سطح بین‌المللی متأثر از اتحاد راهبردی با آمریکا شکل داده و در سطح منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، به انجام یک بازی موازنه قوا در میان همسایگان بزرگتر و قدرتمندتر پرداخته است. ضمن آنکه این کشور در سطح شبه جزیره عربستان نیز به ایفای نقش همسایه مسلط در مقابل یمن و پادشاهی‌های کوچک‌تر اقدام کرده است. اهداف عمده سیاست خارجی عربستان سعودی نیز همواره رهبری جهان اسلام و رسالت نشر جهانی اسلام مبتنی بر مذهب سنی می‌باشد. در منطقه خلیج فارس این اهداف مبتنی بر تلاش برای سرکردگی در منطقه، وحدت اعراب منطقه و رهبری آنها، جلوگیری از قدرت‌یابی شیعیان و کانون‌های انقلابی و جریان‌های طرفدار ایران و تشدید نفوذ ایران می‌باشد. از منظر امنیتی نیز عربستان سعودی بر یک نظم امنیتی در پیوند با غرب به ویژه ایالات متحده تأکید دارد. همچنین عربستان سعودی و ایالات متحده دارای منافع مشترک در قبال مهار ایران، اطمینان از جریان آزاد نفت خلیج فارس، ثبات در یمن و شاخ آفریقا و حذف نفوذ ایران در میان اعراب به ویژه فلسطین و لبنان می‌باشد (ساعی و علیخانی، ۱۳۹۱: ۱۱۵-۱۱۴).

سیاست خارجی ایران و عربستان دارای تضادها و مناقشات فراوانی است. از یک سو، عربستان به شدت

بی‌سابقه‌ای در زمینه قراردادهای و تفاهم‌های اقتصادی برای ایران به وقوع پیوست، در همین راستا هیأت‌های بلند پایه اقتصادی و تجاری از کشورهای مختلف به ایران آمده‌اند که از حیث سیاسی و اقتصادی برای ایران اهمیت زیادی داشت، این هیأت‌ها شامل مقامات بلند پایه‌ای از کشورهای چین، آلمان، انگلستان، ژاپن، اتریش، لهستان، فرانسه، کره، ایتالیا، سوئیس، روسیه، جمهوری چک، افریقای جنوبی، فنلاند و ... بوده است، سفر روحانی به اروپا و دیدار از دو کشور ایتالیا و فرانسه هم بسیار در احیای اقتصاد ایران مهم بود، زیرا طی آن ۱۴ سند همکاری به ارزش ۲۰ میلیارد یورو با ایتالیا امضا شد و در پاریس نیز ۲۰ سند همکاری به ارزش ۳۰ میلیارد یورو به امضا رسید، شاید هیچ‌یک از انگیزترین این قراردادها خرید ۱۱۴ فروند هواپیمای ایرباس از فرانسه بود زیرا نوسازی صنعت هواپیمایی ایران که یک پنجم تلفات هوایی دنیا را به خود اختصاص داده است در اولویت سیاست‌های ایران قرار داشت، همین مسئله اعلام آمادگی شرکت‌های معتبری مانند بویینگ آمریکا، بمباردیه کانادا و ایرکوت روسیه را برای ورود به بازار ایران در پی داشت که امضا یک قرارداد بین ایران و شرکت بویینگ برای خرید ده‌ها هواپیما مدرن را در پی داشت به طوری که کارشناسان از تبدیل شدن ایران به قطب هوانوردی منطقه در آینده سخن می‌گویند. ورود شرکت‌های معتبر خودروسازی به ایران و امضای قراردادهای همکاری از دیگر دستاوردهای اقتصادی برجام بود که مذاکرات شرکت‌های معتبر مرسدس بنز، فولکس واگن، پژو، رنو و فیات را با خودروسازان ایران و امضای قرارداد همکاری با بعضی از آنها را به همراه داشته است، همکاری با گول‌های نفتی جهان

جذب نماید. با رویکرد غرب‌گرایی عربستان، آمریکا نیز در مقابل اقدامات این چنینی عربستان و همچنین تأمین نفت از این کشور، همواره امنیت عربستان را تضمین کرده است. وجود این تفکر باعث شده است، به رغم حاکم شدن هر جریان فکری در آمریکا، این کشور از طرح مسائل اختلاف برانگیز در رابطه با عربستان به منظور تأمین نفت خود چشم‌پوشی کند و عربستان نیز تلاش می‌کند با هر عنصری در آمریکا همخوانی داشته باشد تا امنیت خود را تأمین نماید. در مواقع بحرانی نیز دو کشور با درک اهمیت این پیوند، بحران را با یکدیگر پشت سر گذرانده‌اند (متقی، ۱۳۹۳: ۱۵۴-۱۵۳). اما در یک نگاه کلی این دو کشور در بیشتر مواقع سیاستی تقابلی جویانه نسبت به یکدیگر داشته‌اند.

فرصت‌ها و امتیازات برجام برای ایران در منطقه و جهان

توافق هسته‌ای بین ایران و گروه کشورهای ۵+۱ حامل فرصت‌ها و امتیازاتی برای ایران در خاورمیانه و حتی جهان بین‌الملل است. این فرصت‌ها را می‌توان به دو دسته اقتصادی و سیاسی تقسیم نمود. از لحاظ اقتصادی شاید مهم‌ترین پیامد و فرصت برای ایران همان برداشتن بخشی از تحریم‌های چندین ساله اقتصادی بود. هرچند بخشی از این تحریم‌ها هنوز باقی مانده اما این مسئله تا حدودی باعث عادی شدن روابط اقتصادی بین ایران و اتحادیه اروپا شده و بخشی از مشکلات ایران در زمینه تأمین مواد مورد نیاز برای تولیدات داخلی را مرتفع نموده است (Khajehpour, 2016). با اجرایی شدن برجام اتفاقات

امکان و زمینه را برای حضور مستقیم ایران در بحران‌های منطقه بخصوص در عراق و سوریه فراهم نمود و همچنین این توافق موجب ارتقای نقش فعال و کنشگرانه ایران در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای خواهد شد (خبرگزاری ایرنا: ۱۳۹۴/۰۹/۱۱).

بعد از توافق هسته‌ای، ایران بسیار پرننگتر از قبل در عراق حضور پیدا کرده و در خط مقدم مبارزه با داعش قرار گرفته و چه از لحاظ مشاوره و چه نیروی نظامی به یکی از حامیان اصلی ارتش عراق مبدل شده است. همچنین در سوریه نیز ارسال مهمات و نیرو و کمک‌های مالی و مشاورین نظامی در راستای حفظ بشار اسد به صورت جدی در حال انجام است. این امر باعث شده است که ایران به عنوان یک نیروی سازنده برای ثبات منطقه معرفی شود (Tazmini, 2016). در واقع توافق هسته‌ای باعث شده است تا دست دیپلمات‌ها و رهبران ایران در سوریه و عراق تقریباً باز باشد و دیگر مثل سابق با موانع جدی از سوی آمریکا و غرب مواجهه نشوند (Farhi, 2015: 369).

گرچه تا قبل از به نتیجه رسیدن برجام در مورد حضور ایران در حل بحران‌های منطقه از سوی کشورهای غربی و آمریکا تردید وجود داشت و این امر بیشتر باعث پرننگ‌تر شدن نقش دیگر کشورها بخصوص کشورهای عرب و سردمدار آنها عربستان می‌شد، اما با توافق هسته‌ای، ایران و نیروهای نظامی و مستشاری‌اش به اصلی‌ترین بازیگر در این عرصه تبدیل شده‌اند تا جایی که امروزه کشورهای درگیر در این مسئله به این امر اذعان دارند که بدون حضور ایران حل و فصل این بحران‌ها عقیم خواهد ماند. در واقع برجام باعث شده است که آمریکا به عنوان یک ابر قدرت به دنبال

مانند شرکت‌های شل و توتال و اعلام آمادگی شرکت‌های معتبر دیگر برای همکاری با ایران فرصت‌ها برای سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران در راستای برداشت هرچه بیشتر از میدان مشترک گازی را دو چندان کرده است، رفع تحریم سوئیفت و پیوستن بانک‌های ایرانی به جامعه تعاونی ارتباطات مالی از مهمترین نتایج توافق برجام بود که زمینه تجارت و صادرات و واردات بی دردسر را برای ایران فراهم کرد (بی‌نا، ۱۳۹۴: ۱۳).

در حقیقت برجام از لحاظ اقتصادی راه را برای پیشرفت و توسعه اقتصادی ایران در منطقه گشوده و با برداشته شدن تحریم‌ها و افزایش فروش و صادرات نفت شرایط برای تحرک و پویایی اقتصاد ایران فراهم شده است. بنابراین آنچه می‌توان به عنوان ثمره اقتصادی برجام از آن یاد کرد آغاز دوره‌ای از همکاری ایران با کشورهای مختلف از غرب و شرق است که نوید مهمی از تحولات در عرصه اقتصادی و صنعتی را می‌دهد (بعیدی‌نژاد، ۱۳۹۴). این تحولات باعث ارتقای جایگاه اقتصادی ایران در منطقه در مقایسه با سایر رقبای خود بخصوص عربستان سعودی خواهد شد. علاوه بر مزایای اقتصادی برجام اما آنچه اندکی مهم‌تر است مزایا و فرصت‌های سیاسی آن برای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. بعد از صورت گرفتن این توافق فرصت‌های سیاسی مهمی برای ایران بوجود آمده است. با حل پرونده هسته‌ای بخش زیادی از موانع و مشکلات روابط بین ایران و کشورهای غربی از میان برداشته شد و روابط آنها روبه بهبودی نهاد تا جایی که بعد از سالها پای هیأت‌های مختلف سیاسی و اقتصادی این کشورها به ایران باز شد. مسئله و فرصت دیگری که برای ایران در منطقه فراهم شد



است. اولین نمونه‌های این تقابل در تلاش عربستان برای تبدیل شدن به قدرت هژمون در خاورمیانه و خلیج فارس نمایان شده است. از جمله ابزارها و اقداماتی که در این زمینه از سوی عربستان صورت گرفته است و از سوی وزیر امور خارجه این کشور نیز به صراحت بیان شده است می‌توان به حمایت مالی و نظامی از گروه‌های شورشی و تروریست و باج‌دهی به قدرت‌های بزرگ، تجاوز و حمله نظامی به کشورهای همسایه، سرکوب انقلاب‌های مردمی در کشورهای حاشیه خلیج فارس و تهدید و اتهام زنی به سایر کشورها از جمله ایران اشاره کرد (مظاهری، ۱۳۹۵).

علاوه بر این سعودی‌ها معتقدند که توافق هسته‌ای شانس نفوذ منطقه‌ای ایران را افزایش می‌دهد. توافق هسته‌ای با تهران از دیدگاه عربستان به معنای دو چیز است: ایران توانایی بهبود وضعیت اقتصادی خود و توانایی برای تولید سلاح هسته‌ای را به دست می‌آورد. در صورتی که محدودیت‌های ایجاد شده کوتاه و برای یک دوره ۱۵ ساله هستند که توانایی‌های ایران را از بین نمی‌برد. با وجود توافق هسته‌ای، عربستان با توجه به کاهش حضور آمریکا در منطقه و عدم اطمینان از تضمین‌های آمریکا برای محافظت از خود در تلاش است که قابلیت بازدارنده به دست بیاورد و این کشور در پی ایجاد نیروگاه هسته‌ای است و ائتلاف‌های جدید تشکیل داده و به خط اول دفاع در مقابل ایران تبدیل شده است، که در حال هماهنگی برای تدوین نقشه سیاسی جدید خاورمیانه است. کشورهای حوزه خلیج فارس نیز در همراهی با عربستان (برای مقابله با ایران) باید با قدرت‌های منطقه‌ای مانند پاکستان و ترکیه مشارکت داشته باشند تا بتوانند بر ترسی که از جاه‌طلبی

این باشد که ایران را وارد گفتگو و مذاکره بر سر تأمین ثبات و امنیت خاورمیانه نماید. این امر باعث ایجاد ضرورت حضور مستمر ایران در عراق، سوریه و همچنین یمن شده است. به تبع این امر کاملاً آشکار است که موقعیت ایران در خاورمیانه بطور نسبتاً وسیعی بهبود یافته و به عنوان یک بازیگر کلیدی و ضروری در منطقه شناخته شده است. از نگاه آمریکا و غرب ایران بعد از برجام دیگر بخشی از مسئله و مشکل خاورمیانه نیست، بلکه بخش مهمی از راه‌حل بحران‌ها و ثبات سیاسی آن است. این مسئله تا آنجا ادامه پیدا کرده که همکاری جدی این کشور با روسیه در مبارزه با داعش و دادن پایگاه نظامی به آن از سوی آمریکا با مانع خاصی روبرو نشده است (kam, 2016: 2-3). در نتیجه این فرصت‌ها و مزایای حاصل از برجام برای ایران، عربستان سعودی نیز اقدامات متقابلی برای کمرنگ شدن آنها صورت داده است که در سطور ذیل به آنها می‌پردازیم.

اقدامات متقابل عربستان در رابطه با فرصت‌های

ایجاد شده برای ایران

براساس آنچه واقع‌گرایان تهاجمی به آن معتقدند زمانی که قدرت دولت رقیب افزایش می‌یابد دولت دیگر در پی احساس خطر از حمله احتمالی درصدد تقابل و حفظ جایگاه و بقای خود بر می‌آید. بنابراین بعد از ایجاد فرصت‌های مهم سیاسی و نظامی که برای ایران و در راستای تقویت قدرت نظامی‌اش بوجود می‌آیند دیگر قدرت منطقه‌ای و رقیب آن یعنی عربستان سعودی دست به اقدامات بازدارنده و متقابلی می‌زند که معطوف به تضعیف ایران و حرکت به سمت واگرایی بیشتر در روابط دوجانبه

تحت تأثیر قرار داده بود، اما خصومت‌ها دارای ریشه عمیقی شامل حمایت ایران از حزب‌الله، دولت بشار اسد در سوریه و دولت شیعه بغداد بود و نیز این تفکر که ایران سه پایتخت عربی را در اختیار دارد و به اعمال نفوذ خرابکارانه در حکومت سنی بحرین با اکثریت شیعه و یمن به عنوان حیات خلوت عربستان دست می‌زند.

نگرانی ریاض در مورد ایران هرگز در درجه اول به هسته‌ای شدن ایران ختم نمی‌شد و دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را کم محاسبه می‌کردند زیرا معتقد بودند چتر اتمی آمریکا از آنها محافظت خواهد کرد. نگرانی کلیدی آنها این بود که ایران به دنبال تسلط بر منطقه با استفاده از تروریسم و خرابکاری برای رسیدن به آن است. در چشم عربستان، توافق هسته‌ای وضع را بدتر می‌کند. پادشاه جدید عربستان و شاهزاده محمد بن سلمان وزیر دفاع جوان آن با عصبانیت در مقابل شورش حوثی‌های مورد حمایت ایران در یمن که منجر به اشغال صنعا پایتخت این کشور شد واکنش نشان دادند و یک ائتلاف عربی به سرعت برای مبارزه با شورشیان حوثی ایجاد شد. عملیات طوفان قاطعیت برخلاف رویه محافظه‌کارانه تاریخ معاصر عربستان بود، این حمله برای ممانعت از نفوذ ایران در یمن بود که به ایجاد یک فاجعه انسانی خونین تبدیل شد. آمریکا و انگلستان برای آرام کردن عربستان نسبت به توافق هسته‌ای حمایت‌های حیاتی از این کشور در جنگ یمن به عمل آوردند، پاکستان متحد قدیمی عربستان با یک اقلیت بزرگ شیعه در پارلمان به اتفاق آراء رأی به عدم مداخله در جنگ یمن داد زیرا نگران تشدید فرقه‌گرایی بود. تنش‌ها در روابط دو کشور باعث شد که ایرانیان امسال در حج واجب

ایران در منطقه دارند غلبه کنند و همچنین روابط بین خود را بهبود بخشند، همچنان که در حملات هوایی (علیه یمن) همکاری می‌کنند، در چنین شرایطی نه تنها می‌توانند در مقابل تهدیدات منطقه‌ای همکاری کنند بلکه پتانسیل تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای را دارند که قادر به مقابله با پشتیبانی آمریکا از هژمونی ایران باشد (Aljazeera, 2015/04/14).

اقدام دیگر عربستان در مقابل شرایط ایران بعد از برجام و بازگشت آن به بازارهای جهانی نفت، پایین نگه داشتن قیمت نفت برای ضربه زدن به ایران بود و البته ترس بزرگتر آنان این بود که ایران با استفاده از درآمدهای جدید فعالیت خود را برای بی‌ثباتی در سراسر خاورمیانه گسترش خواهد داد. عادل الجبیر وزیر خارجه عربستان، معتقد بود همه کشورها از رفع تحریم ایران نگرانند زیرا ایران باعث جنگ، بی‌ثباتی و ویرانی است و در امور داخلی سایر کشورها دخالت می‌کند و ایران این بودجه را برای فعالیت‌های بی‌ثبات کننده استفاده خواهد کرد نه به منظور بهبود وضعیت و رفاه مردم خودش. حتی قبل از پایان یافتن رسمی تحریم‌ها در حادثه‌ای که یادآور عمق خصومت میان تهران و ریاض بود دولت عربستان، روحانی شیعه، شیخ نمر باقر النمر را اعدام کرد. این اقدام از طرف ایران و ناظران غربی به عنوان قتل یک مخالف سیاسی محکوم شد، اما عربستان به عنوان مجازات قانونی یک جنایتکار تحت قانون از آن دفاع کرد و بعد از اینکه بخاطر این مسئله عده‌ای در تهران به سفارت عربستان در تهران یورش بردند روابط دو کشور قطع شد. فاجعه کشتار حجاج در تابستان ۲۰۱۵ که صدها زائر ایرانی کشته شدند، رابطه دو کشور را

که طولانی شده بود، ریاض سیاست‌هایی را دنبال می‌کرد که تنش را با تهران افزایش می‌داد. پس از ناکامی در برهم زدن توافق هسته‌ای، ریاض در پی افزایش تنش با ایران به دنبال یک شریک تازه به جز آمریکا بود زیرا نگران همکاری ایران و آمریکا در مسائلی دیگر همچون دولت اسلامی، سوریه و یمن بود. مداخله بی‌شرمانه سعودی در یمن علیه حوثی‌ها در قالب حملات هوایی براساس همین ذهنیت انجام شد. اعدام روحانی شیعه در اوایل ژانویه ۲۰۱۶ واکنش قابل پیش‌بینی شیعیان را برانگیخت، زیرا عربستان سعودی و متحدانش در خلیج فارس به دنبال بهانه‌ای برای قطع روابط دیپلماتیک با ایران بودند، این قضیه بار دیگر آمریکا را که قبلاً در مورد پیامدهای منفی اعدام شیخ النمر به عربستان هشدار داده بود در وضعیت سختی قرار داد. ریشه این مسائل در این واقعیت است که قدرت ایران در حال افزایش است که درک آن در روند تاریخی که به نفع آن در حال طی شدن است قابل فهم است، بنابراین یک سیاست صبر و استقامت و توأم با احتیاط در پیش گرفته است. عربستان که در مقابل نظاره‌گر تحکیم جایگاه ایران در منطقه است دست به سیاست‌های بی‌پروایی می‌زند که اثرات آن مخرب است (Yale Global, 2016/01/19 online).

تحلیل‌گران منطقه‌ای بر این باورند که آل سعود ممکن است در پشت ناآرامی‌های اخیر در میان گروه‌های اقلیت ایرانی باشد، نیروهای کرد با نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درگیر شدند و گروه‌های قومی عرب ادعا کردند که به خطوط نفتی ایران در تابستان ۲۰۱۶ حمله خواهند کرد. همچنین ترکی الفصیل به عنوان عضو خانواده سلطنتی که

شرکت نکنند. در حال حاضر نگرانی عربستان درباره ایران بسیار بالاتر رفته است. حتی یک مفسر برجسته عربستانی حمله تروریستی به مسجد پیامبر (مسجدالنبی) در ۴ ژانویه ۲۰۱۶ را یک عملیات توسط وزارت اطلاعات ایران برای بی‌اعتبار کردن پادشاه عربستان به عنوان خادم‌الحرمین الشریفین قلمداد کرد. شاهزاده ترکی الفیصل رئیس سابق سازمان اطلاعات عربستان اخیراً با حمایت از گروه مجاهدین خلق و حضور در گردهمایی آنان در پاریس که خواستار تغییر رژیم ایران بودند حضور پیدا کرد. حمایت ترکی از سازمان مجاهدین خلق برای تغییر رژیم ایران بیشتر از یک رقابت منطقه‌ای بین دو کشور است (Brookings, 2016/07/31). در واقع بعد از اجرایی شدن برجام عربستان متأثر از فرصت‌ها و موقعیت‌رو به بهبود ایران اقدامات تقابلی جویانه متعددی انجام داده است و این امر باعث تشدید واگرایی بین دو کشور شده است.

نمود تشدید واگرایی بین ایران و عربستان

با توجه به تفاسیر و توضیحاتی که از شرایط و وضعیت بین ایران و عربستان قبل از برجام و امتیازات و فرصت‌های بعد از برجام رفت و نشان داده شد که واگرایی از قبل در روابط این دو کشور وجود داشته است حال نوبت آن است تا تشدید این مهم را بعد از به سرانجام رسیدن برجام آشکار نماییم. در حالی که جان کری وزیر امور خارجه آمریکا با محمد جواد ظریف وزیر خارجه ایران در مورد توافق هسته‌ای مذاکره می‌کردند، محمد بن سلمان وزیر دفاع عربستان با افسران نیروی هوایی در مورد عملیات در یمن گفتگو می‌کرد؛ در واقع در بیرون از خط مذاکرات هسته‌ای

السیسی را در اجلاس استانبول فراهم کند تا با همکاری دو کشور مصر و ترکیه اهداف خود را با پشتوانه محکم‌تری پیگیری کند، اما در این مورد ناموفق بود و تیرگی روابط مصر و ترکیه بخاطر محکوم کردن شدید اللحن کودتای ارتش مصر علیه دولت اخوانی محمد المرسی توسط اردوغان مانع حضور رئیس جمهور مصر در اجلاس استانبول شد و می‌توان گفت عربستان علیرغم گنجاندن چهار بند در بیانیه پایانی اجلاس اما در تکمیل نقشه خود برای نشان دادن موقعیت رهبری خود در جهان اسلام با شکست روبرو شد (بی‌نا، ۱۳۹۵: ۳).

با بررسی اتفاقات یک سال اخیر میان ایران و عربستان سعودی می‌توان به این نتیجه دست یافت که نوعی گرایش به ایجاد تنش و آشوب در رفتار سعودی و در مقابل آن نوعی رفتار مبتنی بر بازداری از سوی ایران در دستور کار دو کشور قرار گرفته است که با وجود دلایل کافی برای آغاز درگیری‌های نظامی، سبب جلوگیری از این امر شده است. راهکار اول عربستان به انزوا کشاندن ایران، تضعیف ژئوپلیتیک ایران و در نهایت برتری ژئوپلیتیک بر ایران در منطقه بوده است که با توافق ایران و غرب بر سر مسئله هسته‌ای و ایجاد رابطه میان آنها عملاً با شکست رو به رو شده و امروزه به طور تصنعی و در سطوح پایین حکومت‌های غربی در جریان است که طبعاً کارایی لازم را برای عربستان نخواهد داشت. راهکار دوم، ایجاد جنگ نیابتی با ایران است، عربستان از این اقدام در وهله نخست تضعیف بازیگران هلال شیعی و در وهله دوم درگیر کردن ایران در جنگ‌های داخلی این کشورها بوده است، عربستان می‌داند شکست نیروهای تحت حمایت ایران در سوریه،

قبلاً رئیس سازمان اطلاعات عربستان بوده و همچنین به عنوان سفیر این کشور در واشگتن و لندن خدمت کرده است یک سخنرانی در میان گروه تبعیدی مجاهدین خلق داشت که خواهان سرنگونی رژیم ایران هستند. این مسائل خطرناک است و می‌تواند تلاش ریاض برای بی‌ثبات کردن حکومت مرکزی تهران باشد، در حالی که هیچکس معتقد به برخورد مستقیم دو کشور نیست اما ناآرامی‌های منطقه در حال رشد است و جنگ نیابتی حتی تشدید شده است و منابع اطلاعات غربی از جنگ سرد در خاورمیانه خبر می‌دهند (Newsweek, 2016/08/24). تخریب‌هایی که در داخل ایران انجام شد مانند آتش زدن کنسولگری عربستان در مشهد و متعاقباً سفارت این کشور در تهران بهانه‌های مختلفی در اختیار سعودی‌ها قرار داد، همین مسائل باعث شد عربستان برای اعزام حجاج ایرانی یازده مورد جدید به شروط خود اضافه کند از جمله اینکه عربستان نمی‌خواست ویزای حجاج ایرانی را در ایران صادر کند و معتقد بود حجاج ایرانی باید در فرودگاه جده ویزا دریافت کنند. بنابراین پیچیدگی روابط ایران و عربستان آینده روشنی را به ما نشان نمی‌دهد (ساداتیان، ۱۳۹۵: ۳). علاوه بر این در بیانیه پایانی اجلاس سازمان همکاری اسلامی در سال ۲۰۱۶ در استانبول عربستان با استفاده از موقعیتی که حمله به سفارت این کشور در تهران در اختیارش قرار داده بود و نیز با استفاده از اهرم پول در تلاش برای رهبری جهان اسلام و ضربه زدن به ایران چهار بند را در بیانیه پایانی اجلاس گنجاند، پادشاه عربستان چند روز پیش از آغاز اجلاس به مصر و ترکیه سفر کرده بود تا با بهبود روابط مصر و ترکیه زمینه حضور عبدالفتاح



با ایران بسیار نزدیک به بن بست هستند و این کشور در مقابله ایران به یک بن بست استراتژیک رسیده است (محرابی، اسپوتنیک فارسی، ۲۳/۱۰/۲۰۱۶). بنابراین می توان گفت در پی احساس خطر عربستان از ارتقای جایگاه ایران در منطقه، این کشور به دنبال تشدید واگرایی در روابط خود با جمهوری اسلامی ایران است.

نتیجه گیری

با توجه به مطالب گفته شده می توان گفت توافق هسته ای بین ایران و گروه کشورهای ۱+۵ اثرات بسیار مهمی در روابط مابین دو کشور ایران و عربستان به عنوان دو قدرت منطقه ای به جا گذاشته است. توافق هسته ای یا همان برجام باعث ارتقای جایگاه ایران چه از لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ قدرت سیاسی و مانور نظامی در خاورمیانه و خلیج فارس شده است. از جمله عواید و فوایدی که این توافق مهم برای ایران در منطقه و سطح جهانی داشت می توان به: برداشته شدن موانع اقتصادی و ورود دوباره ایران به بازارهای جهانی، افزایش توان و نفوذ ایران در منطقه، پذیرش ایران به عنوان بخشی از راه حل بحران های خاورمیانه از سوی قدرت های بزرگ، بهبود روابط سیاسی و اقتصادی ایران با اروپا و غرب و ... اشاره کرد. در نتیجه آنچه جان میرشایمر و رثالیست های تهاجمی به آن باور دارند این ارتقای جایگاه و قدرت ایران باعث واکنش سایر قدرت ها می شود. همانطور که اشاره شد میرشایمر اذعان می کند دولت ها در راه رسیدن به جایگاه هژمون در یک نظام کاملاً آنارشیک به دنبال افزایش قدرت نسبی و کاهش قدرت رقبایشان خواهند بود. همچنین از آنجائیکه

عراق و حتی یمن عملاً ناشدنی است لیکن با درگیر کردن حداکثری ایران در این بحران ها، امید به تسهیل در نیل به اهداف سیاسی خود در صحنه جهانی و منطقه ای با ایجاد ائتلاف های ضد ایرانی دارد. راهکار سوم عربستان، ایجاد دوگانه شیعه و سنی و جایگزین کردن آن با دوگانه های قومیتی است. هدف اول این طرح تضعیف نیروهای بالقوه تحت استیلای ایران در سرزمین های عربی مانند عربستان، بحرین و یمن، و هدف دوم آن ایجاد نفاق میان نژادهای عرب و فارس در خاک ایران است. نوع مبارزات شیعیان در سه کشور فوق تاکنون از ثمربخش بودن این طرح برای سعودی جلوگیری کرده، زیرا شکل و فرم این مبارزات به گونه ای است که مشروعیت حاکمان کشورها را تحت الشعاع قرار می دهد نه مذهب آنها را و با نگاهی به پیشینه تاریخی ایران نیز می توان دریافت که هدف دوم این طرح یعنی تجزیه ایران بیشتر به یک شوخی شباهت دارد تا طرحی راهبردی. راهکار چهارم عربستان بهره جویی از ابزار نفت علیه ایران است. این راهکار در چهارچوب مسائل اقتصادی دسته بندی شده و طبعاً از شاخصه های دنیای اقتصاد تبعیت خواهد کرد، نه شاخصه های سیاسی و نظامی. اما این امر پیرو قواعد اقتصادی منجمله قاعده عرضه و تقاضا است و باز هم بیش از ایران، خود عربستان بیشترین خسارت ناشی از این مسئله را تقبل خواهد کرد، زیرا این طرح به معنای فروش نفت بیشتر با قیمت کمتر است! و البته با توجه به وضعیت اقتصادی نابسامان عربستان، باید دید این کشور تا کجا توانایی مقابله با مشکلات اقتصادی ناشی از این طرح را خواهد داشت. با بررسی مسائل ذکر شده باید اذعان کرد راهکارهای حکام سعودی برای مقابله

۴- بی‌نا (۱۳۹۴)، «دستاوردهای برجام در حوزه اقتصادی؛ اقتصاد کشور در پیچ تاریخی»، **روزنامه افتاب یزد**، شماره ۴۵۵۴.

۵- جعفری‌نژاد، مسعود و مدآبادی، فیدافه (۱۳۹۳)، «تأثیر برنامه هسته‌ای ایران بر نظام امنیت منطقه‌ای خاورمیانه (خلیج فارس) با تأکید بر نظریه‌ی رئالیسم تهاجمی»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره بیستم.

۶- حافظ‌نیا، محمدرضا و رومینا، ابراهیم (۱۳۸۴)، «تحول روابط ایران و عربستان و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک خلیج فارس»، **تحقیقات جغرافیایی**، دوره ۲۰، شماره ۷۷.

۷- ساداتیان، سیدجلال (۱۳۹۵)، «موقعیت جهانی ایران عربستان را عصبانی می‌کند»، **روزنامه همدلی**، سال دوم، شماره.

۸- ساعی، احمد و علیخانی، مهدی (۱۳۹۱)، «بررسی چرخه تعارض در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با تأکید بر دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۴»، **مجله علوم سیاسی**، سال نهم، شماره ۲۳.

۹- صادقی اول، هادی و همکاران (بی‌تا)، «تحلیل روابط ایران و عربستان سعودی از منظر نظریه واقع‌گرایی انگیزشی (۱۳۹۴-۱۳۸۴)»، **تحقیقات سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۲۵.

۱۰- متقی، افشین (۱۳۹۳)، «واکاوی زمینه‌های ناسازواری در روابط ایران و عربستان بر پایه نظریه سازه‌نگاری»، **پژوهش‌های راهبردی سیاست**، سال سوم، شماره ۴۲.

۱۱- محرابی، مانی (۲۰۱۶)، «بن‌بست استراتژیک عربستان در مقابل ایران»، نوشته شده در تاریخ ۲۳/۱۰/۲۰۱۶ قابل دسترس در:

<https://ir.sputniknews.com/opinion/201610231935313/>

۱۲- مظاهری، محمد مهدی (۱۳۹۵)، «شیوه‌های غیراخلاقی عربستان برای کسب قدرت در منطقه»، **پایگاه اینترنتی دی‌پلوماسی ایرانی**، قابل دسترس در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1961606>

لاتین:

1-Kam, Ephraim (2016). Iran after the Nuclear Deal – an Israeli view. *The Journal of Turkish Weekly*. Available in: www.inss.org.

بی‌اعتمادی و عدم اطمینان به نیت یکدیگر بر نظام بین‌الملل حاکم است، کشورهای دیگر افزایش قدرت رقبایشان را تهدیدی علیه تمامیت ارضی و امنیت خودشان به حساب می‌آورند. بنابراین ارتقای جایگاه ایران بعد از برجام از سوی عربستان سعودی به عنوان یکی از قدرت‌های حاضر در منطقه تهدید قلمداد شده و واکنش تقابل‌جویانه این کشور را به همراه داشته است. اقدامات تقابل‌جویانه عربستان را می‌توان در تشدید واگرایی آن در روابط با ایران مشاهده نمود. هرچند واگرایی بین دو کشور قبل از برجام نیز وجود داشته است و در زمینه‌های سیاسی و ایدئولوژیک و همچنین در مسائلی مانند فلسطین و حزب‌الله، سوریه، عراق و یمن نمایان شده است، اما این روند بعد از برجام و به دلیل آنچه گفته شد تشدید شده است. تا جایی که علاوه بر قطع روابط دیپلماتیک بین دو کشور از سوی سعودی‌ها، وضعیتی مشابه دوران جنگ سرد بین آنها در جریان است و روز به روز دامنه واگرایی بین این دو گسترده‌تر می‌شود.

فهرست منابع

فارسی:

۱- بعیدی‌نژاد، حمید (۱۳۹۴)، «فواید اقتصادی برجام برای ایران چه بود؟»، **خبرگزاری ساعت ۲۴**، قابل دسترسی در: <http://www.saat24.com/news/143029/>

۲- بی‌نا (۱۳۹۵)، «توطئه مشترک ترکیه و عربستان علیه ایران»، **روزنامه شهروند**، سال چهارم، شماره ۸۲۵.

۳- بی‌نا (۱۳۹۴)، «فرصت‌های پیش روی ایران بعد از توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌ها»، **خبرگزاری ایرنا**، قابل دسترسی در: <http://www.irna.ir/fa/News/81862650/>



2-Khajehpour, Bijan (2016). The Economic Significance of the Nuclear Deal for Iran. Available in: <https://www.wilsoncenter.org>.

3-Tazmini, Ghoncheh (2016). Iran and Europe after the Nuclear Deal: Opportunities and Challenges. Available in: <http://cei.iscte-iul.pt>.

4-Farhi, Farideh (2015). The Middle East after the Iran Nuclear Deal. Available in: <http://www.cfr.org>

5-Mearsheimer, John (2001 .) *The tragedy of Great Power politics, (Anarchy and the struggle for power)*. Norton. New York.

6-Rudloff, Peter (2013). Offensive Realism, Defensive Realism, and the Role of Constraints. *The Midsouth Political Science Review*. Volume 14.

7-Al Jazeera (2015). Why Saudi Arabia and Israel oppose Iran nuclear deal. <http://www.aljazeera.com>

8-Brookings (2016). Bruce Riedel, What the Iran deal has meant for Saudi Arabia and regional tensions: <https://www.brookings.edu>

9-Global Online (2016) Iran Nuclear Deal Fuels Tension with Saudi Mohammed Ayoob, Arabia Inflaming New Conflicts, <http://yaleglobal.yale.edu>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی